انکه بایزید هفتصد حج کرده بود در ضمیرش گذشت که کاری
کردم خدای تعالی با او عتاب کرد بایزید آن هفتصد
حج را بدو درم بفروخت و در خورد سگ کرکین داد
در بیان این حدیث مَنْ اٰذٰی مُؤْمِنًا
بِغَیْرِ حَقٍّ فَکَاَنَّمَا اٰذَانِیْ و نظیر در حکایت انکه
عائشه رضی الله تعالی عنها را خلق ممنوع نمودند
در تاویل این آیت وَمِنَ النَّاسِ مَنْ یَّقُوْلُ
اٰمَنَّا بِاللّٰهِ وَبِالْیَوْمِ الْاٰخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِیْنَ ۝
و نظیر در حکایت آنکه رهبان عاشقان ایمان شیخ جنید شد
که اقتدای رهبان مسلمان شو اگر عاشقی
در بیان این حدیث که لَا تَحْسِبُوْا عِنْدَ کُلِّ عَالِمٍ اِلَّا
الَّذِیْنَ یَدْعُوْکُمْ مِنَ الْخَمْسِ اِلَی الْخَمْسِ و نظیر
در حکایت انکه

JAMIA HAMDARD
2853
ACC No.
Date 30.7.05
CENTRAL LIBRARY NEW DELHI

رضی الله تعالی عنه که یار غار محمد مصطفی بود صلوة الله علیه و از جانب
مادر در حسب ابراهیم دهم ست رحمة الله علیه که صاحب بلخ بود و ملک
بلخ بروی تلخ گشت و اوصاف مطهره آن قبیله در عالم
علم ست و حسب و نسب ایشان بر مثال آفتاب ست که اسم اعظم ست
و صفت آفتاب از خدا و صاف جهان پیرون ست چنانکه
خداوندگار میفرماید ﷺ مدح و تعریفت تحریف و سحاب ماء
فارغ ست از مدح و تعریف آفتاب ﷺ ای صادقان راه شناسان
الله از این ضعیف بر گناه احمد رومی که از جمله بندگان خداوندگار
مولانا جلال ست قدس الله روحه کلمه چند از برای نجات آخرت را
التماس نمود چنانکه خداوندگار مولانا میفرماید ﷺ مستمع چون
تشنه و جوینده شد ﷺ واعظ را مرده بود کوینده شد ﷺ از قوة
جاذبه آن عزیز این رساله در حقایق ساخته شد و دقایق لطایف
بنام خداوند و در هشتاد فصل درج کرده و برای تاکید آن نظایر
در داستانها ذکر رفت انشاء الله تعالی بمحل قبول افتد و در جهان
بمحل
ان
ﷺ الشریعة اقوالی والطریقة افعالی والحقیقة احوالی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين وصلى الله على سيدنا
محمد وآله اجمعين والتكلان في جميع الامور على خالق السموات والارضين
هذه الرسالة من كلام احمد روحي لضعف الله من عباد سلطان
المحققين خازن اسرار رب العالمين قطب الاوتاد ناصر
العارفين جلال الحق والدين جمال الاسلام والمسلمين متع الله
ببركاته اسرار المتقين بحق محمد وآله اجمعين اى مطالعه كنند كار
كتاب واى مومنان اولوالالباب بر انيد كه مراد مذكار مولانا
جلال الملة والدين قدس الله سره العزيز ومراد مولانا بهاء الدين
محمد نقشبند رحمة الله عليه از جانب حق

گفت که در راه سند از بیرون وی بسند از درون فصل هشتم
در بیان این حدیث که الانسان حریص علی ما منع
و نظیر در حکایت آنکه پادشاهی پسر خود را منع میکرد که ای پسر
سر آن قلعه باز مجوی فصل ششم در تاویل این آیه و اما من خاف
مقام ربه و نهی النفس عن الهوی فان الجنة هی
المأوی و نظیر در حکایت آنکه خادم شاه میگفت که
پیش خدمت پادشاه بسبب ترک شهوت قرب یافتم
ازان سبب محروم فصل نهم در بیان این حدیث که
ما من لقمة الا علیها اسم اکلها یا کلیه
فلان ابن فلان و نظیر در حکایت آنکه کندوی در دماغ
ماجری رفت و در دماغ او بماند فصل دهم در تاویل این آیت
که و ما من دابة فی الارض الا علی الله رزقها
و نظیر در حکایت آنکه زاهدی در چاه رفت خدای تعالی فرشتگان
باو رسانید زاهد متحیر ماند فصل یازدهم در بیان آنکه این حدیث
آنکه مثل المؤمن کمثل الطیر و الله یرزقه بغیر حیلة

وتحقیقه اجوابی ونظیر در حکایت انکه ابو علی سینا از خدمت ابو
الوفا خجر رحمه الله تعالی بر سبیل امتحان سوال کرد از بیضت شتر بیضه
وطریقت وحقیقت فصل دوم در بیان این حدیث که من استوی
یوماه فهو مغبون ونظیر در حکایت انکه موسی علیه السلام در کوه طور
میگفت که الهی همچو من ترا عاشقی است فصل سوم در بیان این
حدیث که المسلم من سلم المسلمون من لسانه ویده ونظیر
در حکایت انکه فقیهی مسیدی دباغی در آمد دمیوه میدزدید
باغبان بجیده آنهه رالت کرد فصل چهارم در تاویل این آیه
من کان یرید حرث الاخرة نزد له فی حرثه
ونظیر در حکایت انکه ابلیس ابو دردا را بیدار کرد که برخیز نماز گذار
فصل پنجم در تاویل این آیت که اذ قال ابراهیم رب
ارنی کیف تحیی الموتی ونظیر در حکایت انکه
مهتر عیسی علیه السلام خاک را غلوله میکرد و بر چشم اعمی
می انداخت و کور بینا میشد فصل ششم در تاویل این آیه که من یتعد
الله ورسوله ونظیر در حکایت انکه [illegible]